

نگاهی به مدیریت در اسلام

دکتر مهدی جمشیدیان*

چکیده

قرون متمادی است که از ظهور اسلام می‌گذرد و گرچه سیطره‌ی حکومت‌ها و فعالیت‌های اسلامی بسیار گسترده و پایدار بوده است، لکن هنوز الگوهای علمی و عملی متناسب با فرهنگ اسلامی برای اداره‌ی سازمان‌ها وجود ندارد. اندیشمندان اسلامی به مفاهیم مدیریتی دست یافته‌اند، اما راهی طولانی در پیش است تا بتوان از چنین مفاهیمی به نظریه‌ها و الگوهای مدیریت اسلامی رسید. متن حاضر ضمن پرداختن به پیشینه‌ی مدیریت در غرب و شرق، به استخراج پایه‌های مدیریت اسلامی می‌پردازد و دو گزینه را ارائه می‌کند. علاوه بر این کتاب مدیریت اسلامی از انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را در قالب ساختار و محتوا مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. سپس در یک جمع‌بندی نهایی ضرورت هم‌یاری استادان برجسته‌ی حوزه و دانشگاه را یادآور می‌شود تا راه برای تدوین اثری در زمینه‌ی فلسفه‌ی مدیریت اسلامی و اثر دیگری در زمینه‌ی مبانی، اصول و الگوهای مدیریت اسلامی هموار گردد.

واژه‌های کلیدی:

مدیریت اسلامی، مفاهیم، اصول، نظریه‌ها، الگوها، و گزینه‌های مطالعاتی.

مقدمه

بیش از پانزده قرن از ظهور اسلام می‌گذرد و شمار قابل ملاحظه‌ای از جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در طول حیات اسلام گونه‌های مختلفی از حکومت‌های اسلامی بر جوامع مسلمان حکمرانی نموده‌اند. انواع نهادهای اداری، دولتی، تجاری، عمومی، غیر انتفاعی و تعاونی بر اساس بینش‌های اسلامی ایجاد شده و بانگش‌های اسلامی اداره و بعضاً هنوز اداره‌ی آنان تداوم یافته است؛ اما پس از یک هزار و چهارصد و اندی که از عمر اسلام می‌گذرد و این که حکومت اسلامی در ایران نهادینه گردیده است؛ یک سؤال اساسی مطرح است و آن این که الگوی مدیریت اسلامی چیست؟ ابعاد این الگو کدام است؟ ارتباط و پیوند، یعنی عوامل سازنده‌ی این الگو چه صورتی دارد؟ و آیا چنین الگویی می‌تواند یک مدل راهنما برای مدیریت نهادهای دولتی، خصوصی و تعاونی باشد؟ نویسنده در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها نیست، اما در پی آن است تا با نگاهی به کتاب‌های تألیفی موجود، به ویژه کتابی که پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تحت عنوان مدیریت اسلامی به چاپ رسانده است؛ آن را از نظر ساختاری و محتوایی نقد و بررسی نماید و در عین حال بحثی را برای تدوین مباحث مدیریت اسلامی طرح کند و از این راه توجه اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی را برای دست‌یابی به یک الگوی نظری و کاربردی برای آموزش نسل دانشگاهی، به ویژه آن بخش از دانشجویان رشته‌های مدیریت و اقتصاد و دیگر رشته‌های وابسته که اداره‌ی آینده‌ی نهادهای دولتی و خصوصی کشور را در دست خواهند گرفت، جلب نماید.

پیشینه‌ی مدیریت در غرب

دنیای سرمایه‌داری در مبحث مدیریت به دستاوردهایی نایل شده است. این دستاوردها هر چند بسیار پراکنده، متنوع و بعضاً پیچیده‌اند، ولی به سرعت سیر تکامل را می‌پیمایند. جدای از شکل‌گیری بخشی از مفاهیم مدیریت در دوران تمدن باستان، تا پایان قرن نوزدهم نظریه‌های مدیریتی چندانی شکل نگرفت. از جمله نظریه‌هایی که می‌توان در مدیریت از آن بهره گرفت، نظریه‌ی «اصل تقسیم کار» آدام اسمیت^۱ و نیز نظریه‌های برخوردار با «کارهای پیچیده» و «تعیین دستمزد کار» چارلز بیبج^۲ در پایان قرن هیجدهم و آغاز قرن نوزدهم است و نظریه‌ای دیگری که بتوان به صورت مؤثر در مدیریت از آن بهره گرفت، تا اوایل قرن بیستم ارائه نگردید.

1. Adam Smith

2. Charls Babage

در ابتدای قرن بیستم، با تلاش کسانی مانند تیلور^۱، گیلبرث‌ها^۲، امرسون^۳ و دیگر پیروان مکتب کلاسیک اولین دیدگاه‌های ساختارمند و نظام یافته‌ی مدیریت در مکتب مدیریت علمی^۴ پایه گذاری شد. پس از آن رفتارگرایی^۵ به ترتیب با تکیه بر رفتار فردی، رفتار گروهی، رفتار تعاون اجتماعی و رفتار اجتماعی فنی، جایگاه خود را در میان مدیران باز کرد. از آن پس نظریه‌های دیگری مانند نظریه‌ی تصمیم، مکتب سیستمی، مکتب اقتضایی و رویکردهای دیگری پیوسته برای اداره‌ی سازمانها ارائه شد.

تعداد نظریه‌های مدیریت تا پایان قرن نوزدهم انگشت‌شمار بودند، اما در مقابل تعداد مفاهیم حاصل از تجربه‌ی دولتمردان در اداره‌ی حکومت و نیز مفاهیم حاصل از بینش‌های اقوام یهود و به‌ویژه جامعه‌ی مسیحیت تا قبل از پایان قرن نوزدهم محدود نبودند. شمار این مفاهیم بسیار متعدد و اهم آنان عبارت‌اند از: استفاده از سلسله مراتب، مدیریت بر مبنای استثنا، اندیشیدن به تمهیدات لازم، برنامه‌ریزی و سازماندهی مهاجرت (قوم یهود)، تقسیم کار و تأکید بر آن، مدیریت دموکراتیک (یونانی‌ها)، توسعه‌ی اقتصادی هدفمند، ساخت جاده‌های خوب، ایجاد مراکز بازرگانی، تأمین امنیت تجار (امپراطوری رم)، ساختار سلسله‌مراتبی، نحوه‌ی فرماندهی (اسکولاسیک‌ها)، حمایت از سرمایه‌داری و سودمحوری، تعلیم و تربیت، تحلیل از انسان و دستاوردهای وی، مدیریت و محیط کار، کار کانون زندگی و مردم محوری (اروپا).

پیشینه‌ی متون مدیریت در غرب مبین آن است که مفاهیم مدیریتی بسیار کند و آرام در طول سالیان متمادی ابتدا از سوی اقوام، دولت‌ها و مکاتب مذهبی و سپس با سرعت بیشتری در دوران انقلاب صنعتی و پس از آن تا پایان قرن نوزدهم توسط دولت‌ها و به‌ویژه صاحبان صنایع به وجود آمده و نهادینه شده است. از ابتدای قرن بیستم نظریه‌پردازی به‌ویژه در مراکز علمی و دانشگاهی سرعت بیشتری گرفته به گونه‌ای که امروزه به علت انبوهی نظریه‌های مدیریت و الگوهای مدیریتی برای اداره‌ی امور سازمان‌ها نمی‌توان مدعی شد که از طریق یک یا چند مدل می‌توان به اداره‌ی آنها پرداخت.

آنچه در این راستا توجه را به خود جلب می‌نماید آن است که اکثر این نظریه‌ها بدون آن‌که نامی از مکتب خاصی برده شود، دارای زیربنای مبتنی بر بینش‌های فلسفی و مذهبی‌اند که پارادایم‌های مدیریت را شکل داده و در نهایت الگوهای مختلف اداره کردن سازمانها بر آنها استوار شده است.

1. Taylor

2. Gilbreths

3. Emerson

4. scientific management

5. behavioural approach

پیشینه‌ی مدیریت در شوق

سیر تطور مفاهیم مدیریت در شوق ابتدا با اختراع چاپ، ثبت و نگه‌داری مدارک، تقسیم زمان و حساب‌داری، تجمع ثروت‌های مالیاتی نزد روحانیون سومری و حساب و کتاب اموال توسط سومری‌ها آغاز می‌شود؛ مدیریت ساخت اهرام مصر، گرایش به برنامه‌ریزی و عدم تمرکز، کنترل و توزیع تقویم، به مصری‌ها باز می‌گردد؛ کار و تجارت، اصل عدم تفویض مسئولیت، به حمورابی‌ها نسبت داده می‌شود. ایجاد ستادهای مشورتی، توجه به کارآئی، نظم و ترتیب، تأکید بر استفاده از ابزار تشویق و تنبیه، توصیه به حساب‌رسی، اهمیت دادن به تخصص، صراحت و روشنی در فرمان‌ها از مفاهیم تمدن چین باستان است؛ بابلی‌ها، هندی‌ها و ایرانیان در استفاده از خطوط و اشکال برای ثبت و ربط حساب‌های مالیاتی، تشکیل امپراطورهای جهانی، اصل تقسیم کار، اصل وحدت فرماندهی، اصل نیاز به همکاری دسته‌جمعی، برنامه‌ریزی، استفاده از طرح جا و مکان، نام خود را در تاریخ ثبت کرده‌اند.

مسلمانان نیز در اداره‌ی نهادهای دولتی و نیز بازرگانی به مفاهیم قرآن کریم، احادیث، روایات، سیره‌ی انمهی معصومین علیهم‌السلام و منش و رفتار بزرگان دین بسنده کرده‌اند. اندیشمندان مسلمان، به ویژه در چند دهه‌ی اخیر، به استخراج مفاهیم از منابع و متون اسلامی همت گمارده، ولی کمتر در پی شکل‌دهی الگوهای مدیریت با رویکرد اسلامی بوده‌اند. نوشته‌های مربوط به مدیریت در اسلام، مفاهیمی چون مشورت و نظرخواهی، کاربست تجربه، صرفه‌جویی، پرهیز از شتاب‌زدگی و سستی، قاطعیت تنظیم وقت، سعه‌ی صدر، رفق و مدارا، دل‌جویی از کارکنان و رسیدگی به آنان، ارتباط با زیردستان، عدالت، اعتدال و میانه‌روی، توکل، خداترسی، صداقت و راست‌گویی، دین‌داری، وفاداری، امانت‌داری، حق‌گویی، دعا، حق‌محوری، اعتماد به نفس، اعتماد به زیردستان، و صفات رهبری را در بر دارد، اما فاقد الگوهای کاربردی است.

از مطلب فوق می‌توان دریافت که منابع اسلامی محتوایی سرشار از مفاهیم کاربردی در مدیریت را در خود جای داده است. این مفاهیم به صورت نظام‌مند و با برنامه‌ی مشخص و توسط افرادی علاقه‌مند و پی‌گیر، از متون اسلامی استخراج شده‌اند.

پس این سؤال هنوز باقی است که برای رسیدن به یک الگوی مدیریت اسلامی از کجا باید آغاز کنیم؟

پایه‌های اسلامی مدیریت

در اسلام پایه‌ها و مفاهیم اصلی و اساسی مدیریتی وجود دارد که با کندو کاو در قرآن کریم، احادیث، روایات، سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام و رهبران دینی می‌توان ابعادی از آن را استخراج کرد.

در استخراج مفاهیم و مبانی مدیریت اسلامی دو رویکرد می‌تواند قابل توجه باشد: رویکرد اول به مدیریت اسلامی، با تتبع در ادیان ابراهیمی و استخراج مطالب در سیر تطور زندگی و نوشته‌ها و گفته‌های پیامبران و رهبران ادیان الهی است. زمینه‌ی پیشنهادی، با عنایت به سرعنوان‌های مندرج در جدول شماره ۱ می‌تواند آغاز شود.

هدف از چنین رویکردی آگاهی از مدیریت ارزشی یا هنجاری - در مقابل مدیریت اثباتی یا غیر ارزشی - و تعریف دیدگاه مدیریت ادیان ابراهیمی و چگونگی استفاده از مدیریت اثباتی در مدیریت‌های ارزشی خواهد بود.

جدول شماره ۱: مفاهیم پیشنهادی بر مبنای گزینه‌ی مدیریت اسلامی در ادیان ابراهیمی

ردیف	عنوان	ردیف	عنوان
۱	صالحین <small>علیهم‌السلام</small>	۱۶	انسان
۲	پیامبران <small>علیهم‌السلام</small>	۱۷	رمضان
۳	ابراهیم <small>علیه‌السلام</small>	۱۸	قدر
۴	موسی <small>علیه‌السلام</small>	۱۹	شیطان
۵	عیسی <small>علیه‌السلام</small>	۲۰	قرآن
۶	اسماعیل <small>علیه‌السلام</small>	۲۱	خدا
۷	صالح <small>علیه‌السلام</small>	۲۲	مدیریت بر مبنای کرامت انسان
۸	لوط <small>علیه‌السلام</small>	۲۳	مدیریت بر مبنای انسان‌ابزاری
۹	یوسف <small>علیه‌السلام</small>	۲۴	جایگاه انسان در مدیریت ارزشی
۱۰	محمد <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۲۶	جایگاه شیطان در مرادوات اجتماعی
۱۱	صراط مستقیم	۲۷	جایگاه خدا در مرادوات اجتماعی
۱۲	مغضوبین	۲۸	چونگی مدیریت خود به صورت ارزشی
۱۳	ضالین	۲۹	چگونگی مدیریت جامعه به صورت ارزشی
۱۴	قسط	۳۰	مشخصه‌های زندگی در صراط مستقیم

مأخذ: (سیروس، ۱۳۸۴)

سرعنوان‌های مطرح شده را می‌توان کاملاً در چارچوب دانش اسلامی و به‌ویژه با رویکرد دیدگاه‌های شیعی تحریر کرد و با توجه به مبانی ارزشی، امکان افزایش و یا کاهش موارد پیشنهادی در جدول فوق وجود دارد.

این نوع رویکرد به مدیریت اسلامی نوعی مباحث آموزشی در مدیریت اسلامی را طرح می‌کند که اقلیت‌های مذهبی را نیز پوشش داده و می‌تواند در سطح دیگر کشورها به عنوان تعامل یا چالش مطرح شود و خود زمینه‌ی پژوهش و تعامل در ادیان ابراهیمی را در مذاهب و ملت‌های دیگر به وجود آورد (سیروس، ۱۳۸۴).

رویکرد دوم در مدیریت اسلامی بر اساس تمدن جدید بشری است. در تمدن جدید جایگاه اسلام به روشنی مشهود است و انقلاب اسلامی در میان تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد که مدیریت اسلامی را می‌توان از آن استخراج نمود. بازیابی مدیریت اسلامی در چنین تمدنی، علاوه بر استفاده از قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع و سیره‌ی ائمه علیهم‌السلام، بر دیدگاه‌های افراد شاخصی همچون حضرت امام (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی و... استوار خواهد شد.

در حال حاضر، بارزترین کتب مدیریت اسلامی که با چنین رویکردی به تحریر در آمده از انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تحت عناوین مدیریت علوی و مدیریت در اسلام است که در ادامه‌ی مقاله به ارزیابی کتاب مدیریت در اسلام می‌پردازیم.

نقد کتاب مدیریت در اسلام

کتاب مدیریت در اسلام، ویراست دوم، نوشته‌ی آقایان علی آقاپیروز، ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی و سید محمود بهشتی نژاد است که زیر نظر دکتر سید مهدی الوانی به تحریر در آمده است. این کتاب یک جلدی و دارای ۳۵۶ صفحه است و با قطع وزیری در بهار ۱۳۸۴ توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است. این کتاب در میان کتب متعددی که در حوزه‌ی مدیریت اسلامی منتشر گردیده‌اند، به لحاظ تدوین و نشر از طرف پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دارای جایگاه ویژه‌ای است و الزاماً توجه خاصی به آن معطوف است.

بسیاری از سرفصل‌های کتاب مدیریت در اسلام مستقیماً برگرفته از منابع خارجی است. صاحبان این منابع غیر مسلمان و دارای زمینه‌ها و رویکردهای فکری مسیحیت‌اند و بندرت می‌توان از لابه‌لای نوشته‌های آنان مواردی مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی را استخراج کرد. این نوع زمینه‌ها و رویکردهای فکری را می‌توان به وضوح در کتاب رویکردی سیستمی به ریشه‌ها و آینده‌ی تئوری مدیریت، نوشته‌ی ویلیام روث مشاهده نمود.

لذا آنچه در کتاب مدیریت در اسلام آمده است - هر چند غالباً با اصول و مبانی اسلامی مغایرت

ندارد، لکن برگرفته از کتب و مفاهیم صاحب‌نظران غربی و غیر اسلامی است، مگر در مواردی خاص. به بیان دیگر می‌توان گفت که متأسفانه نویسندگان حوزوی هم به نوعی تحت تأثیر مباحث مدیریتی غربی قرار گرفته و از درون‌نگری اسلامی - که بسیاری از مباحث مدیریتی را از قرآن کریم، احادیث، روایات و سایر منابع اسلامی می‌توان استخراج نمود - به دور مانده‌اند.

اگر به سیر تطور مباحث مدیریتی از دیدگاه صاحب‌نظران غربی بنگریم می‌بینیم که اکثر کتب پایه‌ی مدیریت بدواً به مباحثی چون دیدگاه‌های مدیریت، مانند مکتب کلاسیک‌ها، مکتب نئوکلاسیک‌ها، مکتب سیستمی و رویکرد اقتضایی اشاره می‌نمایند و در عین حال، در بحث فرآیند مدیریت، به مفاهیمی مانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، انگیزش، ارتباطات، تصمیم‌گیری، رهبری، کنترل و نظارت می‌پردازند. کتاب مدیریت در اسلام نیز چنین است. البته تغییراتی در فرآیند منطقی استفاده از مفاهیم و بسط و تفسیر آنان صورت گرفته است. عموماً فرآیند از مفهوم POSDCORB تبعیت می‌کند که در کتاب مدیریت در اسلام چنین نیست.

اما چنانچه به دنبال نظریه‌پردازی در زمینه‌ی مدیریت در اسلام باشیم، مباحث کتاب از این بعد - که کاملاً اسلامی و برگرفته از متون قرآنی، احادیث و روایات و حتی رفتار ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین باشد - غنی نیست؛ البته نباید از نظر دور داشت که سرعنوان‌های خاصی چون برنامه‌ریزی جامع در قرآن، توکل، دعا، عوامل معنوی، شکست برنامه و حق محوری در متن اثر وجود دارد و خود از نشانه‌های اولیه در استفاده‌ی مناسب از مفاهیم و مباحث مرتبط با موضوع است.

از سوی دیگر هر چند فرضیه و یا سؤالی برای تدوین کتاب در مقدمه‌ی اثر به چشم نمی‌خورد، لکن باید توجه داشت که خود موضوع احتمالاً سؤالی را در ذهن نویسندگان پدید آورده است؛ برای مثال «مدیریت از منظر اسلام چیست؟» یا سؤالات مشابه دیگری که قاعدتاً مبنایی برای تنظیم نوشتار کتاب مدیریت در اسلام است. البته رویکرد نویسندگان به لحاظ داشتن فضای ذهنی مباحث نظری مدیریت غربی، نتوانسته است به طور صحیح به چنین سؤالی از دیدگاه و متون اسلامی پاسخ دهد.

برای تدوین متن اثر از منابع فارسی و لاتین و علاوه بر این، به طور محدود، از متون قرآنی، احادیث، روایات و اخبار بهره گرفته شده و به نوعی، روش جمع‌آوری اطلاعات در تهیه و تنظیم متن اثر، کتابخانه‌ای بوده است. هیچ نوع تلفیق و ترکیبی از مدیریت اسلامی ناب یا موردکاوی ناب اسلامی صورت نگرفته است که این خود می‌تواند تلاش نویسندگان را کم‌رنگ جلوه دهد.

باز می‌توان عنوان کرد که چنانچه هدف از نوشتن کتاب مدیریت در اسلام، خلق اثری کاملاً اسلامی می‌بود، قاعدتاً می‌بایست بر مفاهیم و مباحث قرآنی، احادیث و روایات و اخبار و رفتار بزرگان دین تأکید می‌شد و موارد عینی از آنها به صورت «موردکاوی» در پایان هر بخش، متناسب با موضوع آن بخش آورده می‌شد.

تجزیه و تحلیل مطالب مدیریتی در این کتاب نسبتاً خوب انجام گرفته است، ولی این در توصیف و تبیین از مفاهیم اسلامی به قدر کافی استفاده نشده و ضروری است پویایی مباحث و ارائه‌ی مفاهیم در اشکال مختلف متناسب با نیازهای مدیریتی تداوم یابد.

متن کتاب از نظر محتوایی نوآوری چندانی در انتخاب موضوع و سایر موارد ندارد؛ شاید بتوان به موارد محدودی در متن اثر اشاره داشت و آن این‌که طرح کردن مفاهیم اسلامی در کنار مفاهیم مدیریت غربی، نوعی نوآوری است. چنانچه این نوآوری بخواهد در ویرایش‌های آینده‌ی کتاب، خود را جلوه دهد، ضرورت دارد از مباحث نظریه‌های مدیریتی با دیدگاه غربی کاسته شود و به مفاهیم و مباحث مدیریت از دیدگاه اسلام افزوده شود. در عین حال راه دیگری را هم می‌توان دنبال کرد و آن این‌که مفاهیم مدیریت در اسلام را با نظریه‌های مدیریت در غرب مقایسه نمود و نوعی نتیجه‌گیری کرد و تناسب به کارگیری آن را در جامعه‌ی اسلامی ایرانی یا در قالب فرهنگ جامعه‌ی ایران بحث کرد.

منابع و مأخذ اثر از اعتبار خوبی برخوردارند و ریچارد دفت،^۱ پال هرسی،^۲ کنت بلانچارد،^۳ هرالد کوونتر،^۴ فردلوتانز،^۵ استیفن رابینز،^۶ و جمیز استونر،^۷ از نویسندگان برجسته در زمینه‌ی سازمان و مدیریت در غرب هستند، اما این سؤال مطرح است که چرا از آثار فلاسفه‌ای هم چون پیتر دراکر^۸ - که تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب در - زمینه‌ی مدیریت دارد - استفاده نشده است. وی را پدر مدیریت قرن بیستم لقب داده‌اند و جالب این‌که وی بیشتر بر روی رفتار افراد تکیه دارد و کمابیش این همان چیزی است که باید رویکرد نظریه‌پردازان ایران را در مدیریت در اسلام به طرف آن سوق داد. از طرف دیگر، از منابع اسلامی غیر ایرانی نسبتاً خوب استفاده شده است که نویسنده‌ی مقاله شناخت چندانی در این زمینه ندارد و نمی‌تواند اظهار نظر نماید. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از منابع فارسی هم چندان جامع نباشد و نویسندگان یا اطلاع‌ی از سایر

1. Richard Daft

3. Kenneth Blanchard

5. Fred Luthans

7. James Stoner

2. Paul Heresy

4. Harold Koontz

6. Stephen Robins

8. Peter Drucker

منابع موجود فارسی نداشته و یا به همین اندازه بسنده کرده‌اند؛ به طور مثال از کتاب سازمان و مدیریت: مفاهیم، اصول، فرآیندها، نظریه‌ها و کاربردها، که بیش از یک‌هزار نظریه را در زمینه‌ی مباحث مدیریتی در خود جای داده استفاده نکرده‌اند.

عمدتاً منابع لاتین مربوط به دهه‌ی ۱۹۹۰، منابع عربی مربوط به دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی، ۱۴۰۰ قمری و منابع فارسی مرتبط به دهه‌ی ۱۳۷۰ هستند و در مجموع تنها از کتب استفاده شده است، در حالی که نویسندگان می‌توانستند از سایر منابع به خصوص، مجلات علمی که عموماً روزآمدترند و یافته‌های تازه‌تری را در بر دارند نیز استفاده کنند.

متن اثر بسیار سلیس و روان است و این روانی را می‌توان از ابتدا تا پایان کتاب مشاهده کرد. در پیش‌گفتار هر بحث انگیزه‌ی پژوهشگران در پرداختن به آن بیان می‌شود؛ به عبارتی، پاراگراف اول و دوم پیش‌گفتار باید انگیزه‌ی پژوهشگران را در تدوین کتاب در زمینه‌ی مدیریت در اسلام مطرح کند که چنین نشده است.

اما مقدمه‌ی کتاب بابتی است برای ورود به مطلب و انتظار می‌رفت این مقدمه بیشتر بر مباحث مدیریت در اسلام تکیه داشته باشد. در حالی که چنین نشده است و نویسندگان عمدتاً به دیدگاه‌های مکتب کلاسیک‌ها، مکتب نئوکلاسیک‌ها و مکتب سیستمی پرداخته‌اند، اگرچه بخشی از مطالب در مورد دین و دانش طرح شده است.

سرعنوان‌هایی که مطرح شده‌اند مانند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، ارتباطات و... نسبت به خود موضوع جامعیت دارند و به اندازه‌ی کافی در ابعاد مختلف نسبت به آن بحث شده است، اما چنانچه جامعیت موضوع را نسبت به عنوان کتاب که مدیریت در اسلام است بسنجیم، واقعیت آن است که به اندازه‌ی کافی مباحث اسلامی در زمینه‌ی مدیریت آورده نشده است.

در هر بخش، ضرورت دارد به ترتیب: اهداف آن بخش یا فصل یک مقدمه‌ی کوتاه، مباحث اصلی به ترتیب و توالی منطقی و یک موردکاوی آورده شود؛ آنگاه واژه‌های تخصصی بخش عنوان گردد و سپس بخش با سؤالات ساده و مشروح به اتمام برسد. اگرچه در کتاب مورد بحث، کاستی‌هایی در مقدمه و انتهای هر بخش وجود دارد، لکن یکپارچگی مطالب حول محور هر بحث خوب حفظ شده است.

چنانچه خوانندگان کتاب از دانشجویان رشته‌های مختلف باشند، که عموماً چنین است، در این درس نیز به جای آشنا شدن با مدیریت در اسلام، کم و بیش با همان مطالبی که در درس

سازمان و مدیریت فرامی‌گیرند برخورد خواهند نمود و متن کتاب این سؤال را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که بین مدیریت مبتنی بر فلسفه‌ی اسلامی با مدیریت مبتنی بر فلسفه‌ی مسیحیت یا سایر ادیان چه تفاوتی وجود دارد؟

نتیجه

می‌توان یک الگوی علمی مدیریت در اسلام را در حوزه‌ی مباحث رفتاری جست‌وجو کرد؛ بدین طریق که رفتار پیامبر ﷺ و نیز انمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و پس از آن رفتار بزرگان دین را ملاک قرار داد و مشخصه‌هایی را از این رفتارها استخراج نمود. علاوه بر این، سازمان‌هایی کاملاً اسلامی نیز در کشور وجود دارند که در طول حیات خود، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی به دست مسلمانان متعهد اداره شده‌اند و می‌توان با مطالعه و پژوهش در چگونگی اداره‌ی این گونه سازمان‌ها الگوهای اجرایی آنها را استخراج و در سایر سازمان‌ها به محک آزمون گذاشت. علاوه بر این، تدوین کتاب مدیریت اسلامی ضرورت هم‌فکری و هم‌یاری استادان برجسته‌ی حوزوی و دانشگاهی را می‌طلبد تا با استخراج مفاهیم اولیه‌ی مدیریتی از متون اسلامی و نظریه‌پردازی استادان دانشگاهی بتوان به الگوها و چارچوب‌های مدیریت دست یافت.

در پایان اگر بخواهیم یک ارزیابی کلی از کتاب مدیریت در اسلام داشته باشیم، باید اذعان کنیم که جامعه‌ی اسلامی ایران در تدوین یک کتاب مدیریت اسلامی در ابتدای راه قرار دارد و تلاش گروهی اندیشمندان حوزه و دانشگاه لازم است تا راه برای تدوین اثری در زمینه‌ی فلسفه‌ی مدیریت اسلامی و اثر دیگری در زمینه‌ی مبانی، اصول و الگوهای مدیریت اسلامی هموار گردد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. روث، ویلیام، (۱۳۸۳). رویکردی سیستمی به ریشه‌ها و آینده‌ی تئوری مدیریت. ترجمه‌ی مهدی جمشیدیان، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۲. جمشیدیان، مهدی و دلوی، (۱۳۸۲). سازمان و مدیریت: مفاهیم، اصول، فرآیندها، نظریه‌ها و کاربردها. چاپ دوم، تهران، انتشارات سیمین.
۳. سیروس، احمد، (۱۳۸۴). پیشنهاد عنوان سرفصل‌های جدید برای درس مبانی مدیریت اسلامی. اصفهان، مؤسسه آموزش عالی شیخ بهائی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی